رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

روزی روزگاری در اصطبل

■ ناخدا اسپارو - یا همان «جک گنجیشکه» نسخه دوبله «دزدان دریایی کاراییب»- که با فوجی از ملوانان آدمخوار، زامبی، خون‌آشام، دزد و پول پرست به پرده سینما بازگشته، آنقدر از خودش مطمئن است که هیچ نگرانی از بابت رقابت فیلم‌های دیگر احساس نمی‌کند. اما این هفته فیلم‌های قابل اعتنای دیگری هم اکران گرفته‌اند، از جمله تازه‌ترین فیلم وودی آلن که هفته بعد در این صفحه معرفی می‌شود.

■ ■ ■

دزدان دریایی کاراییب: بر امواج بیگانه

Pirates of the Caribbean: On Stranger Tides

در چهارمین قسمت از مجموعه فیلم‌های «دزدان دریایی کاراییب» که این بار راب مارشال به جای گور وربینسکی سکان کارگردانی آن را در دست گرفته است، ناخدا جک اسپارو (جانی دپ) با زنی مرموز به نام آنجلیکا (پنه‌لوپه کروز) همراه می‌شود که معلوم نیست واقعا طرفدار اوست یا شیادی است که قصد دارد از ناخدا برای یافتن «چشمه جوانی» استفاده کند. آنجلیکا، دختر ناخدا بلک‌بیرد (یان مک شین)، اسپارو را مجبور می‌کند که به کشتی پدرش برود و او ناخواسته وارد ماجراهای دور و درازی می‌شود. جفری راش، کوین مک نالی، آسترید برگزفریزبی، جودی دنچ و سام کالفلین دیگر بازیگران فیلم هستند و از اورلاندو بلوم و کایرا نایتلی خبری نیست. این فیلم ۱۳۷ دقیقه‌ای که با درجه پی.جی ۱۳ اکران شده را شرکت دیزنی با بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری و به صورت سه بعدی و دو بعدی تهیه کرده است.

کشیش

Priest

این فیلم ترسناک علمی - تخیلی که از یک رمان گرافیک به قلم مین وو هیونگ اقتباس شده است، نبرد نهایی خونین میان خون‌آشام‌ها و یک کشیش تکرو را به تصویر می‌کشد. کشیش جنگجو که در دنیایی ویران‌شده به دست خون‌آشام‌ها همراه با باقیمانده انسان‌ها در یک شهر محصور شده زندگی می‌کند، پس از ربوده شدن خواهرزاده‌اش از قانون کلیسای خود تخطی می‌کند و به جست‌وجوی او می‌رود و چند نفر که توان جنگیدن دارند با او همراه می‌شوند. «کشیش» را اسکات چارلز استوارت کارگردانی کرده است و پل بتانی، کارل اوربان، کم ژیگانده، مگی کیو، براد دوریف و کریستوفر پلامر در آن بازی می‌کنند. زمان فیلم ۸۷ دقیقه و درجه‌بندی آن‌پی.جی ۱۳ است.

شیر جوداه

The Lion of Judah

دنباله فیلم انیمیشن «روزی روزگاری در اصطبل» محصول ۲۰۰۶، انیمیشن کمدی پرماجرایی است که از زاویه دید حیوانات اهلی یک اصطبل بازگو می‌شود. اسب دل نازک، موش متشخص، خوک مهربان، خروس پرحرف، گاو دلسوز، الاغ ستمکش و بره قهرمان فیلم که قصد دارند با درس گرفتن از درس‌های تاریخ و یافتن پادشاهی برای اصطبل راهی برای نجات خود از دست انسان‌های بیرحم پیدا کنند، ماجراهایی خنده‌دار می‌آفرینند. ارنست بورگناین، مایکل مدسن، جورجینا کوردووا و اسکات ایستوود از صداپیشگان فیلم هستند که به صورت سه بعدی استریوسکوپیک تهیه شده است. فیلم محصول ۲۰۱۱ آمریکا و تولید استودیو انیمیتد فمیلی فیلمز به کارگردانی دریک بروم و راجر هاوکینز با فیلمنامه برنت دیوز است. زمان نمایش فیلم ۸۷ دقیقه و درجه‌بندی آن برای اکران پی.جی۱۳ است.

پر صداتر از بمب

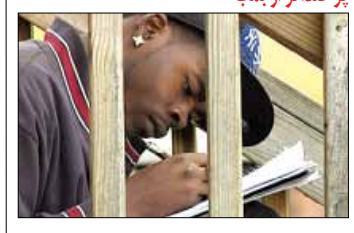

Louder Than a Bomb

مستندی به کارگردانی گرگ جیکوبز و یون سیسکل که چهار گروه شعر دبیرستانی در شیکاگو و مراحل آماده شدن آنها برای شرکت در بزرگ‌ترین مسابقه شعر جوانان در دنیا را دنبال می‌کند. زندگی پر از مشکل این جوانان که سعی می‌کنند با نوشته‌های‌شان دنیای خود را تغییر دهند، غم و شادی آنها، اضطراب‌ها، رنج‌ها و عواطف‌شان در فیلم «پرصداتر از بمب» به تصویر کشیده شده و با آنکه موضوع انتخاب شده هرکدام از این جوانان بسیار شخصی است، شعر آنها به مسایلی فراگیر و جهانی می‌پردازد. زمان نمایش این مستند ۹۹ دقیقه است.

درباره فیلم «دزدان دریایی کاراییب: بر امواج بیگانه»

هالیوود در جست‌وجوی چشمه جوانی

سیدحسام فروزان

عکس: نیویورک

گویا تابستان امسال را باید تابستان داغ هالیوود بنامیم. دنباله‌های فیلم‌های پرفروش سال‌های اخیر پشت سر هم در این تابستان اکران می‌شوند و احتمالا سینماهای جهان را مملو از تماشاگر می‌کنند. قسمت چهارم «دزدان دریایی کاراییب» با عنوان «بر امواج بیگانه» هم یکی از این دنباله‌هاست که طرفداران بی‌شمارش حدود چهار سال برای دیدنش انتظار کشیده‌اند. این بار برخلاف سه قسمت قبلی، به جای گور وربینسکی، آقای راب مارشال، هدایت کاپیتان جک اسپارو و دارودسته‌اش را برعهده گرفته است. از راب مارشال، کارگردان ۵۱ ساله تا پیش از این فیلم‌های «خاطرات یک گیشا» و «شیکاگو» را دیده بودیم و حالا باید ببینیم او چطور از عهده ساختن این دنباله پرطرفدار برآمده و آیا فیلم به اندازه سه قسمت قبلی موفق خواهد بود. سه فیلم قبلی شامل «نفرین مروارید سیاه»، «صندوق مرد مرده» و «در انتهای دنیا» در مجموع دو میلیارد و ۶۸۰ میلیون دلار در دنیا فروش داشتند و مشخص است که کمپانی دیزنی دوست دارد موفقیت‌های قبلی را تکرار کند.

جانی دپ در مصاحبه‌ای درباره کاراکتر کاپیتان جک اسپارو گفته است: «هیچ‌وقت از این شخصیت خسته نمی‌شوم و نمی‌توانم تصور کنم که روزی با او خداحافظی خواهم کرد». اگر کمپانی دیزنی هم موافق باشد، شاید ادامه دیگری هم بر این مجموعه اضافه شود. اگرچه همه‌چیز به فروش قسمت چهارم بستگی دارد. هرچند که در هالیوود چندان رسم نیست که بیش از چهار دنباله برای فیلمی ساخته شود. اگر بخواهیم خلاصه کوتاهی از سه قسمت قبلی به دست بدهیم باید بگوییم که دزدان دریایی به نام‌های جک اسپارو و الیزابت سوآن و ویل ترنر در فیلم اول با هم آشنا می‌شوند و در فیلم دوم جک اسپارو به کاپیتان سختگیری به نام «دیوی جونز» بدهکار است و با کمک ویل ترنر و الیزابت سوآن، سعی می‌کنند از گزند جونز در امان باشند اما در پایان فیلم، در زندان جونز که یک جزیره گمشده است زندانی می‌شود. در فیلم سوم، جک اسپارو به کمک دوست دیرینه‌اش باربوسا و الیزابت و ویل باز می‌گردد و با هم تلاش می‌کنند تا جلو دشمنان دزدان دریایی بایستند. داستان قسمت اخیر از رمان «بر امواج بیگانه» اقتباس شده است که تیم پاورز در سال ۱۹۸۷ نوشته است. در این قسمت کاپیتان جک اسپارو که کماکان دایم‌الخمر است هم در جست‌وجوی چشمه جادویی جوانی است و هم باید با دزد دریایی بلک‌بیرد (یان مک‌شین) مقابله کند و زنی که سابقا دوست داشته به نام آنجلیکا (پنه‌لوپه کروز) که دختر بلک‌بیرد نیز هست او را همراهی می‌کند. کاپیتان مطمئن نیست که این زن را دوست دارد یا اینکه زن دارد از او سوءاستفاده می‌کند تا به چشمه جوانی دست پیدا کند. بلک‌بیرد ناخدا و دزد دریایی پیری است که می‌خواهد با یافتن چشمه جوانی دوباره جوان شود. در این فیلم جفری راش همانند فیلم‌های قبلی در نقش هکتور باربوسا بازی کرده است اما دیگر خبری از کایرا نایتلی در نقش الیزابت سوآن و اورلاندو بلوم در نقش ویل نیست. بر خلاف فیلم‌های قبلی که در کاراییب فیلمبرداری شد، «بر امواج بیگانه» در هاوایی و بخش‌هایی از انگلستان ساخته شده و تهیه‌کنندگی آن را جری بروکهایمر معروف برعهده داشته است. بروکهایمر بعد از فیلم G-force برای دومین بار فیلمی سه بعدی را روانه مجموعه‌های سینمایی می‌کند. یک مزیت قسمت چهارم این است که طرفداران کاپیتان اسپارو این بار می‌توانند قهرمانان مورد علاقه‌شان را علاوه بر شیوه سنتی و دوبعدی به شیوه سه بعدی و آی- مکس هم ببینند. بودجه فیلم چیزی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار بوده که نسبت به قسمت‌های قبلی به‌خصوص قسمت سوم یعنی «در پایان جهان» بسیار کمتر است. گفتنی است که پدر و مادرها باید مواظب کودکان و نوجوانان علاقه‌مند به دزدان دریایی باشند چرا که در این قسمت وجود مقادیر متنابهی الکل و خشونت و صحنه‌های ترسناک و ماجراهای عاطفی میان کاپیتان اسپارو و آنجلیکا و یک زوج عاشق جدید متشکل از مردی جوان و یک پری دریایی باعث شده که فیلم با درجه PG-۱۳ نمایش داده شود.

در قسمت چهارم برای اولین بار برخی از شخصیت‌های واقعی تاریخی وارد قصه می‌شوند از جمله پادشاهانی چون جورج دوم بریتانیای کبیر (ریچارد گریفیث) و فردینان ششم اسپانیا. داستان قسمت چهارم همچون بیشتر قصه‌های ماجراجویانه به این سبک داستانی است درباره راستی، خیانت و مرگ و جست‌وجوی آب حیات یا اکسیر جوانی. نویسندگان فیلمنامه این قسمت نیز همچون سه بخش قبلی تد الیوت وتری روسیو بوده‌اند. قسمت چهارم اقتباس کامل از رمان نیست، بلکه تنها عناصری چون دزد دریایی بلک‌بیرد یا چشمه جوانی از رمان گرفته شده است. آنچه مسلم است اینکه شخصیت جک اسپارو و طنز خاص او کماکان یکی از نقاط قوت فیلم خواهد بود به اضافه ماجراهای اسرارآمیز و جلوه‌های بصری که به نظر می‌رسد در فیلم آخر به نهایت جذابیت خود رسیده باشند. به‌زعم برخی از منتقدان، قسمت‌های دوم و سوم دزدان دریایی به دلیل ازدیاد داستان‌های فرعی سنگین و غیرقابل هضم شده بودند. بسیاری از طرفداران این مجموعه نیز با تماشای قسمت سوم ناامید شده بودند. از این نظر باید قسمت چهارم را بازگشتی به مسیر اصلی بدانیم. فیلم چهارم قصه سرراست و جذابی دارد که درونمایه‌اش جست‌وجوی چشمه جوانی است. قصه جذاب در ترکیب با جلوه‌های بصری سه بعدی و ماجراجویی‌های همیشگی و بازیگران جدید احتمالا موفقیتی همپای فیلم اول برای قسمت چهارم رقم خواهد زد. به گفته آنها که فیلم را دیده‌اند، صحنه‌های درون آب و همچنین جنگل‌های هاوایی بسیار دیدنی از کار درآمده‌اند و دستاوردی برای تکنولوژی سه‌بعدی محسوب می‌شوند. پیش‌بینی منتقدان نیز بر موفقیت قسمت آخر صحه می‌گذارد و حتی منتقد سایت باکس‌آفیس آن را بهترین فیلم مجموعه دزدان دریایی دانسته است. فیلم از ۱۰ امتیاز سایت IMDB عدد ۸/۱ را کسب کرده است و منتقدان سختگیر سایت متاکریتیک هم از ۱۰۰ امتیاز به آن ۶۵ داده‌اند. منتقد هالیوود ریپورتر فیلم را با کارگردانی راب مارشال جدی‌تر از قسمت‌های قبلی دانسته و حضور پنه‌لوپه کروز را هم مزیتی برای فیلم می‌داند. اندرو بارکر منتقد «ورایتی» قسمت چهارم را تکرار جذابیت‌های مجموعه دزدان دریایی می‌داند و می‌نویسد، این فیلم مثل همه فیلم‌هایی است که از دنیای فانتزی دیزنی بیرون می‌آیند. منتقد «امپایر» کسی است که نقدی منفی بر فیلم نوشته و گفته است که پیرنگ فیلم بسیار پیچیده و درهم است و شخصیت‌ها تهی‌مایه و بدون فکر به نظر می‌آیند. به نظر این منتقد با وجود تلاش خوب عوامل و بازیگران، قسمت چهارم دزدان دریایی فیلمی کند و سنگین است و همچون پرچم دزدان دریایی نشانه مرگ این مجموعه فیلم‌ها خواهد بود. اینکه راب مارشال بدون هیچ دلیلی دو ضد قهرمانی که در قسمت‌های قبل بوده‌اند را از داستان بیرون گذاشته است نیز نکته‌ای منفی برای فیلم محسوب شده است. از نظر تماشاگرانی که فیلم را دیده‌اند چنین برمی‌آید که قسمت چهارم بازگشت کاپیتان جک اسپارو به جایگاه اصلی‌اش در فیلم اول است و اینکه فیلم هرچه باشد، قسمت دیگری از یک مجموعه است و از جذابیت‌های قسمت‌های قبلی بهره می‌برد.

قسمت چهارم را باید بازگشتی به مسیر اصلی بدانیم. فیلم چهارم قصه سرراست و جذابی دارد که درونمایه‌اش جست‌وجوی چشمه جوانی است. قصه جذاب در ترکیب با جلوه‌های بصری سه بعدی و ماجراجویی‌های همیشگی و بازیگران جدید احتمالا موفقیتی همپای فیلم اول برای قسمت چهارم رقم خواهد زد

گفت‌وگو با راب مارشال، کارگردان چهارمین فیلم مجموعه «دزدان دریایی کاراییب»

خون تازه در رگ شخصیت‌های وحشتناک

گرگ کیلدی

عکس: آوت نا

راب مارشال که عمده شهرت خود را مدیون کارگردانی اقتباس‌های سینمایی، از آثار موزیکال صحنه‌ای «شیکاگو» و «نُه» است، برای اولین بار با ساختن دنباله‌ای بر مجموعه فیلم‌های پرهزینه تابستانی «دزدان دریایی کاراییب» دیزنی، پا به عرصه آثار اکشن گذاشته است. او در این گفت‌وگو با هالیوود ریپورتر که پیش از اولین نمایش فیلم «دزدان کاراییب: روی امواج بیگانه» در جشنواره بین‌المللی فیلم کن انجام شد، از ویژگی‌ها و دشواری‌های کار در یک فیلم پرخرج و تصمیمش برای سه بعدی ساختن آن می‌گوید.

■ ■ ■

هنگامی که با شما برای کارگردانی تازه‌ترین قسمت «دزدان دریایی» تماس گرفتند، اولین واکنش‌تان چه بود؟

هیجان زده شدم، چون همیشه دلم می‌خواست با جانی (دپ) کار کنم. ما دوستان مشترکی داشتیم و بعضی‌ها می‌گفتند که من و او می‌توانیم یک تیم عالی تشکیل بدهیم و از کار با هم لذت ببریم. من همیشه در خلوت خودم عاشق فیلم‌های اکشن پرماجرا بودم، چیزی که به درد خانواده‌ها بخورد. یک کارگردان همیشه به دنبال تنوع در کارش است، می‌خواهد کارهای تازه انجام دهد و مدام یک چیز را تکرار نکند. بنابراین از ایده ساختن فیلمی در یک ژانر تازه به هیجان آمدم.

«دزدان دریایی» یک مجموعه دنباله‌دار شناخته شده است. نگران این نبودید که برای خلاقیت نشان دادن دستتان باز نباشد؟

مهم‌ترین مساله برای من این بود که فیلمنامه به دستم برسد و بتوانم نگاهی به آن بیندازم. دیدم که می‌توانم از خودم در دنیای این فیلم مایه بگذارم، چون فیلمنامه داستان کاملا تازه‌ای داشت با چندین شخصیت جدید که، احساس کردم آغاز یک خط داستانی نو و کاملا یک شروع تازه برای دزدان دریایی است. وقتی فهمیدم می‌توانم به شیوه خودم با موضوع دست و پنجه نرم کنم، خیلی مایه تسکین خاطرم بود.

هم جانی دپ و هم جری بروکهایمر، تهیه‌کننده شخصیت‌هایی قوی هستند. چطور توانستید درباره میزان اثرگذاری خودتان در فیلم حرفتان را به کرسی بنشانید؟

آنها به شکلی باورنکردنی پذیرا بودند و این دلیل دیگری برای هیجان‌زدگی من بود. آنها اصلا در پی تکرار کار قبلی خودشان نبودند. دنبال آن بودند که خون تازه‌ای در رگ‌های فیلم به جریان بیفتد، به نوعی رویکردی تازه در فیلم وجود داشت. آنها هم از شنیدن حرف‌های من به هیجان آمدند. هرگز نشنیدم که: «ما این‌طوری کار می‌کنیم دیگر!» هرگز.

شما پنه لوپه کروز را وارد فیلم کردید؟

کار من بود، گرچه به محض آنکه اسمش را آوردم، جانی و جری گفتند: «حتما». جانی، فیلمی به نام «ضربه» که سال‌ها پیش با او کار کرده بود را خیلی دوست داشت. کاملا واضح بود که این شخصیت باید وحشتناک باشد. لازم بود بازیگر زنی را پیدا کنیم که نه فقط بتواند شانه به شانه جانی پیش بیاید و هماورد او باشد، بلکه به نحوی همه خصوصیات جک اسپارو را هم داشته باشد. لازم بود کارهای خنده‌دار بکند و باهوش و همه فن‌حریف و زیبا باشد. فهرست بلندبالایی از خصوصیات را باید می‌داشت و کاملا معلوم بود که این خود پنه لوپه است. او هم در کارش به دنبال تنوع است و هرگز کار قبلی خود را تکرار نمی‌کند. بنابراین او هم با اشتیاق کار را پذیرفت.

چگونه برای سر و کله زدن با چنین پروژه بزرگی آماده شدید؟

در مرحله پیش تولید تمام توجه من معطوف به داستان و شخصیت بود. می‌خواستم کاملا مطمئن باشم که داستان و شخصیت در کانون همه مسایل قرار می‌گیرد، چون ممکن است در فیلمی مانند این، با همه مسایل دیگری که وجود دارد، راه‌تان را گم کنید.

شما در پس‌زمینه سوابق حرفه‌ای خود، کوریوگرافی را دارید. آیا این مساله در ساختن صحنه‌های اکشن به شما کمک کرد؟

من با صحنه‌های اکشن خیلی راحت هستم. کوریوگرافی و اکشن بسیار شبیه هستند. سعی می‌کنید با تجسم فیزیکی بخشیدن و ایجاد تحرک، داستان بگویید و شخصیت‌ها را پرورش بدهید. در سکانس‌های اکشن علاوه بر مسایل مهمی مثل حرکت و حضور تعداد زیادی از بازیگران، مساله اختصاص ارقام بزرگی از بودجه فیلم هم مطرح است.

حرکات جانی دپ هم تقریبا در تمام فیلم‌های قبلی این مجموعه به رقص شبیه است.

همیشه به او می‌گویم: «جانی، تو هم مثل فرد آستر، یک رقصنده بزرگ هستی.» او هم می‌گوید: «دیوانه‌ای.» اما جدی می‌گویم، او از این لحاظ یکی از بهترین افرادی است که تاکنون با آنها کار کرده‌ام.

چه شد که تصمیم گرفتید فیلم را سه‌بعدی بسازید؟

در این مورد در سونی مقداری آموزش دیدم. لازم بود این مساله را برای خودم ساده کنم و جا بیندازم. موضوع پیچیده‌ای است، اما من اصول اولیه آن را یاد گرفتم. البته کار نیکو کردن از پر کردن است. من از مکتبی هستم که در آن، چنین احساسی وجود ندارد که همه فیلم‌ها باید سه‌بعدی ساخته بشوند، اما فکر می‌کنم فیلم‌های خاصی هستند که باید به این شیوه کار شوند، چون تماشاگر را به سفری پرماجرا می‌برند و با یک تجربه سه بعدی، شما وارد قلب ماجرا می‌شوید.

به یک مفهوم، ما افراد پیشتاز. اولین فیلم اکشن زنده هستیم که این دوربین‌های عالی و تجهیزات متعدد مربوط به آنها را وارد کار می‌کنیم و به لوکیشن‌های دوردست می‌بریم.

طبیعتا فیلم‌های سه بعدی با این مقیاس، یا روی صحنه گرفته می‌شوند یا اول به صورت دوبعدی فیلمبرداری می‌شوند و بعد به سه بعدی تبدیل می‌شوند. ولی ما تجهیزات سه بعدی را به جنگل و غار و آبشار بردیم. هنوز هم نمی‌توانم بگویم دیوانه بودیم یا پیشتاز. اما این کار را کردیم و من از این بابت به خودم می‌بالم، چون تماشاگر حس می‌کند با یک سه بعدی واقعی روبه‌رو است، نه سه بعدی باسمه‌ای.

ترجمه: پریا لطیفی‌خواه
منبع: هالیوودریپورتر

تازه چه خبر دکتر جون؟

نفرین مادر مخترع

■ پروژه «نفرین مادر من» که تولید آن از چند ماه پیش به جریان افتاده است، با پیوستن خانم ایوون استراهوفسکی به ست روگن (بازیگر «زنبور سبز» و «سوپربد») و باربارا استرایسند (خواننده و بازیگر «آن‌طور که بودیم» و «آینه دو رو دارد») وارد مرحله تازه‌ای شد. به گزارش هالیوود ریپورتر، این بازیگر استرالیایی که قبلا در چند سریال تلویزیونی از جمله «چاک» و «هدلند» حضور داشته، قرار است در فیلم سینمایی «نفرین مادر من» نقش همکلاس دوره دبیرستان ست روگن را بازی کند که یک مخترع است و همراه با استرایسند در نقش مادرش سراسر آمریکا را زیرپا گذاشته تا اختراع تازه‌اش را به فروش برساند. آن فلچر (بازیگر و کارگردان «پیشنهاد») این کمدی را کارگردانی می‌کند و دن فوگلمن (نویسنده فیلمنامه «ماشین‌ها») فیلمنامه آن را نوشته است. گفته می‌شود که فوگلمن ایده داستان را از زندگی واقعی خود و مادرش گرفته است. «نفرین مادر من» این روزها در مرحله فیلمبرداری است و اوایل فروردین ماه آینده برای اکران آن در نظر گرفته شده است.

اولین تجربه کارگردانی رایان گازلینگ

■ رایان گازلینگ، بازیگر کانادایی که عمده شهرت خود را مدیون درام‌های عاشقانه‌ای مانند «دفترچه یادداشت»، «ولنتاین غمگین» و «لارس و دختر واقعی» است و اخیرا فیلم «رانندگی» با بازی او در بخش مسابقه جشنواره کن روی پرده رفته است اولین فیلم خود را کارگردانی خواهد کرد. این فیلم «بت‌ساز» نام دارد و بازسازی فیلمی به همین نام است که تیلور هکفورد در سال ۱۹۸۰ ساخته است. به گزارش ددلاین، گازلینگ علاوه بر کارگردانی این فیلم در نقش اصلی نیز بازی خواهد کرد. «بت‌ساز» داستان یک تهیه‌کننده آثار موسیقی است که یک نوازنده با استعداد ساکسیفون را به ستاره موسیقی راک‌اندرول تبدیل می‌کند. گازلینگ، متولد ۱۹۸۰ در اونتاریو، از ۱۵ سالگی وارد حرفه بازیگری شد و در سریال‌های تلویزیونی به ایفای نقش پرداخت. او این روزها «رانندگی» و «دیوانه، احمق، عشق» را آماده نمایش دارد، به تازگی از بازی در «پانزدهم مارس» جورج کلونی فارغ شده و قرار است در «فرار لوگان»، «مکان پشت کاج‌ها» و «جوخه گنگسترها» بازی کند.

بازسازی سگ‌های پوشالی

■ ۴۰ سال پس از اکران «سگ‌های پوشالی»، فیلم کلاسیک شاخص سام پکین پا که داستین هافمن و سوزان جورج بازیگرانش بودند، نسخه تازه‌ای از این فیلم ساخته شده است که تا اواخر تابستان امسال روی پرده می‌رود. «سگ‌های پوشالی» جدید را راد لوری (سازنده «رستاخیز قهرمان») کارگردانی کرده است و جیمز مارسدن و کیت بوسوورث در آن بازی می‌کنند. در نسخه جدید «سگ‌های پوشالی» یک فیلمنامه‌نویس همراه با تازه عروسش از لس‌آنجلس به زادگاهش در ایالات جنوبی آمریکا می‌رود -در نسخه قبلی این مکان، روستایی در انگلستان بود- و در آنجا تنش میان محلی‌ها و این تازه‌واردها بالا می‌گیرد و به تهدیدی برای هر دو طرف بدل می‌شود و به جنگی خونین منتهی می‌شود. آلکساندر اسکارسگارد، دومینیک پورسل، لاز آلونزو و جیمز وودز نیز از جمله بازیگران این درام دلهره‌آور هستند. عنوان فیلم برگرفته از جمله قصاری از لائوتزه، فیلسوف چینی در مورد وضع و حال انسان‌ها در دو دنیای فانی و باقی است.

دونیرو و کیتن کنار نهر

■ رابرت دونیرو و دایان کیتن هر دو در سال ۱۹۷۲ در فیلم «پدرخوانده ۲» حضور داشتند اما در هیچ سکانسی با هم نبودند و بار دیگر در سال ۱۹۹۶ هر دو در «اتاق ماروین» بازی کردند. این دو بازیگر اکنون بعد از ۱۵ سال بار دیگر در «به آرامی بر لب نهر» در کنار هم قرار می‌گیرند. دوران حرفه‌ای هر دو بازیگر با فیلم‌های خشن و گنگستری شروع شد و در سالیان اخیر به آثار کمدی و رمانتیک منتهی شد. «به آرامی بر لب نهر» هم یک کمدی رمانتیک درباره زوج پا به سن گذاشته و طلاق گرفته‌ای است که برای بر هم نخوردن ازدواج پسرخوانده‌شان تظاهر می‌کنند که مشکلی در زندگی مشترک آنها وجود ندارد. به گزارش ورایتی این فیلمنامه را جاستین زاکهام نوشته است و کارگردانی‌اش را نیز خود او بر عهده دارد. آماندا زایفرید و کاترین هایگل نیز در این فیلم که قرار است سال آینده میلادی به روی پرده برود، بازی می‌کنند.